

متن پرسش

(ضمن عذرخواهی از سوال کننده محترم، متأسفانه در حین ویرایش سوال و طبقه بندی آن، به دلیل از دسترس خارج شدن چند ثانیه ای قسمت مدیریت سایت و قصور در ذخیره متن سوال ویرایش شده، قسمت ابتدایی سوال بطور ناخواسته حذف گردیده است) ادامه سوال: در این میان شخصیتی با سابقه و صاحب نفوذ وجود دارد که به جرات می توان گفت اگر او و حمایتها و دولت و تفکرش نبود هرگز جریان نفوذ و استحاله و سکولار نمی توانست تا این حد در اجتماع نفوذ کند و زندگی اشرافی غیر انقلابی و غیر متدینانه را با مظاهر فساد و رشوه و رانت و تضاد طبقاتی و اسراف و اتراق و تجمل پرستی دوری از احکام خدا نهادینه کند تا جایی که در تحقیقی که چند مولفه دینی در نظر گرفته شد که بیشتر هم ریشه در آداب و احکام اجتماعی اسلام داشت و در کشورها بررسی شد ایران در رتبه ۱۳۷ قرار می گیرد. گفته ها و موضع گیریهای این شخص تمایل او رابه غربگرایی و آن جریان به خوبی هویدا می سازند که سر آغاز انحراف از مانور تجمل شروع می شود و پایان آن سخته زدن در استخر فرح! است و در این میان حکایتهای دردناک و فراوانی همچون این که در مقابل خبرنگاری که سخن از اختلاسهای می گوید ایشان می گوید یک سد ساخته می شود حالا اگر مقداری هم اختلاس شد اشکالی ندارد نقل به مضمون و رسماً دزدی رسمیت داده می شود، وجود دارد. اما در این میان ناگهان نسل انقلابی با شخصیتی بزرگ و مفسری عظیم و حکیمی والا روبرو می شود به نام آیت الله جوادی او هم انقلابی است هم در اوج تدین، اما چنان لب به مدح و ثنای این شخص می پردازد که آدم را تا خرخره در اعجاب فرو می کند تو گویی هیچ از آنچه اتفاق افتاده اطلاع ندارد و جالب این که رفتارهای این شخص در بسیاری موارد با مبانی خود آیت الله جوادی در تضاد است و عجیب تر از عجیب این که فرزندان این شخص که یکی از آنها صریحاً حکومت دینی را نفی می کند یکی با حکم قوه قضائیه جمهوری اسلامی زندان شده است و.... را به گونه ای می ستایند اعجاب انگیز! و می گوید شاخه های سرسبز و پر باردرخت ریشه سالمی دارند! تا جایی ظاهراً که در مقاطعی حتی بعضاً طلبه های حوزه علمیه قم حرمت ایشان را نیز پاس نداشتند و کار تا پرت اشیاء و شعار هم پیش رفت. از آن طرف شخصیتی متفکر و والا کسی که مقامی بزرگ را از دست رهبری دریافت می کند که اگر خداوند به نسل جوان ما این توفیق را نداد که زمان علامه طباطبایی و شهید مطهری را درک کنند بحمدالله آقای مصباح خلاء آنان را پر کرده است. و آن وقت آیت الله مصباح می فرماید: خاتمی سیئه ای از سیئات هاشمی است. عجبا خاتمی با آن انحراف فکری که دیگر داد خود آیت الله جوادی را هم در آورده بود را گناهی از گناهان هاشمی می داند و از طرف دیگر فقیه انقلابی آیت الله خزعلی می فرماید من بمیرم

و نبینم هاشمی روی کار بیاید مگر شما هاشمی را هنوز نشناخته اید؟ دهها موضع گیریهای دیگر از بزرگان دیگر از طرف دیگر محقق غرب شناس زمان فهم دکتر زرشناس می گوید آنچه امروز از فقر و فساد و تبعیض و اشرافیت و حقوق های نجومی و کشیدن مردم به غرب زدگی و بحرانهای اجتماعی و... همه از سال ۶۸ با دولت ایشان شروع شد. این اتوبان با دولت سازندگی شد و صحبت های خود شما هم که فوق العاده است. خدایا چه خاکی بر سرمان کنیم اینجا دیگر مسئله تشکیکی نیست وجوه مختلف از یک حقیقت نیست بلکه مسئله نفی و اثبات است مسئله سیئات و حسنات است. از طرفی وقتی به جمعیت متفکرین و عالمان بزرگ انقلابی و دینی که نقطه مقابل آیت الله جوادی فکر می کنند می نگریم نقطه مقابل به شدت قوت می گیرد و برای من جوان انقلابی این سوال پیش می آید چرا؟ آیا این همه تفسیر و عرفان و علم برای ایشان روشن ننموده که این تفکر چه بلائی بر سر انقلاب آورد که اگر خدا رهبری را نگذاشته بود الان قطعاً انقلاب در دامن آمریکا بود و آیا ایشان نمی دانند دفاع اینچنین مطلق از ایشان و حتی فرزندان معلوم الحال ایشان که از آقای جوادی بر جا ماند می تواند قضاوت نسل جوان و تاریخ را هم در نقد تفکر هاشمی و هم جایگاه آقای جوادی به مخاطره اندازند. استاد جان خواهش می کنم بفرمائید چرا و لطفاً به خاطر جایگاه علمی و تفسیری ایشان مسئله را به اجمال و کلی گویی سپری نکنید مقام علمی ایشان روشن و احترام ایشان واجب است ولی بایستی این مسئله هم برای نسل جوان روشن شود که به شدت ذهنها را می گزد. با تشکر و التماس دعا. پسورد ایمیل فراموشم شده. لطفاً در سایت بگذارید.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: قبلاً در زمان فوت آقای هاشمی در رابطه با موضع گیری های آیت الله جوادی نسبت به آقای هاشمی در چند جواب به سؤالات به طور مفصل عریاضی شد. آن چه باید در اینجا اضافه کرد، در نحوه نگاه متفاوت آقایان به جایگاه تاریخی انقلاب اسلامی است. گروهی به دنبال استقلال ایران هستند تا در کشور ایران مستقل به کمک فرهنگ دینی در این دنیای مدرن بتوانند زندگی کنند، در آن حدّ که هم دیانت خود را حفظ کنند و هم از مواهب جهان مدرن بهره بگیرند. و گروهی در عین تأکید بر استقلال ایران، معتقدند انقلاب اسلامی برای تحقق تمدنی در مقابل تمدن غربی به صحنه آمده است و تنها با روحیه انقلابی و فرهنگ شهید و شهادت می توان خود را معنا کرد. ملاحظه می کنید که هر دوی این نگاه علاوه بر آن که انقلاب اسلامی را قبول دارند، برای اسلام ارزش و جایگاه قائل اند، ولی دو نوع تعریف برای بودن خود در عالم دارند. و ما باید همدیگر را بفهمیم، هر چند که تصور ما آن است که مقام معظم رهبری «حفظه الله» نگاه دوم را پذیرفته اند و بر اساس آن عمل می کنند. ولی تقابل مستقیم با نگاه اول به ضرر انقلاب است و بهترین راه راهی است که رهبری عزیز پیشه کرده اند؛ راه تبیین اهداف اصیل ضد استکباری انقلاب اسلامی. موفق باشید